

گزارش میدانی «همدلی» از مهاجرت مستاجران از پایتخت به شهرهای اقماری پایتخت

خداحافظ تهران



▲ **آسو محمدی**

● روزنامه‌نگار

تهران پر از غریبه‌های همیشه در سنباب است؛ غریبه‌های مهاجر در شهر شلوغ و پرازدحامی که حالا ظرفیت‌های زیستی‌اش گویی به انتها رسیده است. تا آنجا که سال‌هاست مسئله جابه‌جایی پایتخت مطرح شده است. نام تهران در سال‌های اخیر با عبارات دردناک و نگران‌کننده از جمله ترافیک، تراکم، آلودگی، کم‌آبی، خطر وقوع زلزله، هزینه بالای زندگی و چیزهایی با بار معنایی منفی و از این دست همراه است. تهران دیگر آن طهران سایه‌سار چنارها و چشمه‌ساران ری و تپه‌های پوشیده از علفزار قیطره و شهر کنگرهای پیر و پرندگان مهاجر نیست. تهران حالا شهر آلوده‌ای است که از کلاغ پر است و خیابان‌هایش از بس موش زائیده‌اند، میان‌تهی شده‌اند. اما شاید هیچ چیزی به اندازه مسائل اقتصادی نتواند این بار سنگین تهران را سبک کند. حالا نایب رئیس اتحادیه املاک در تازه‌ترین اظهارتش به ایستا گفته: «رشد قیمت مسکن باعث شده تا بسیاری از مستاجران به شهرهای اقماری تهران مهاجرت کنند و در ماه‌های اخیر و به دنبال افزایش قیمت مسکن و اجاره بها در شهر تهران شاهد روند مهاجرت اقشار اجاره‌نشین از تهران به سمت شهرهای اطراف از جمله کرج، شهریار، پردیس، رودهن و غیره هستیم؛ این جابه‌جایی از نظر رفت و آمد ایحاد منفی دارد.» به گفته حسام ققیایی، اصلی‌ترین شاخص اجاره بها قیمت مسکن است که در ماه‌های اخیر حدود ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر آمارهای مرکز آمار و بررسی رسانه‌ها از خروج هرچند کند شهروندان از کلانشهر تهران حکایت دارد. مرکز آمار ایران در اطلاعاتی که چندی پیش منتشر کرد از مهاجرت معکوس در تهران خبر داد. بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵ در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، ۳۵۰ هزار و ۶۳۲ نفر از استان تهران به استان‌های دیگر مهاجرت کرده‌اند. این خیر هرچند رقم ناچیزی از مهاجرت را نشان می‌دهد اما بنا به اظهارنظر کارشناسان نقطه عطفی در فرآیند مهاجرت‌پذیری تهران و آغاز روند معکوس شدن مهاجرت از پایتخت است.

● **زندگی ناآرام آپارتمانی و هزینه‌های بالا**

«همدلی» در ارتباط با ایین موضوع پای صحبت شهروندان مهاجر در تهران نشست. «حسسن» شهروندی است که دو دهه است به تهران مهاجرت کرده است. او به «همدلی» می‌گوید: «۲۰سال پیش در چنین روزهایی، در مهر ۱۳۷۶، برای ادامه تحصیل در دانشگاه علم و صنعت ایران به تهران آمدم و تا این لحظه در آن ماندگار شدم. در این ۲۰سال مجراهای زیادی را در تهران تجربه کردم که برابند همه آن‌ها این است که امروز از خودم می‌پرسم، آیا بهتر نبود

به جای تهران، تورنتو، مونترال، سیدنی یا ملبورن را انتخاب می‌کردم؟» او ادامه می‌دهد: «تهران شهری مهاجر پذیر است، ولی معنی آن این نیست که تهران با غریبه‌ها خیلی مهربان است. بازار کار در تهران پویایی خوبی دارد. پول در آوردن در تهران راحت‌تر است. تهران برای کسانی که می‌خواهند زندگی اجتماعی مدرن تری را تجربه کنند شهر مناسب تری است. اما به غیر از این سه نکته به ندرت می‌توان نکته مثبت دیگری را برای تهران لیست کرد. تهران مشکلات زیادی دارد. از جمله فشردگی بیش از حد جمعیت، زندگی نسا آرام آپارتمانی، هزینه‌های بالای زندگی و بعضی عادات آزار دهنده ساکنان آن است. بعضی از ساکنان تهران، چه کسانی که خودشان کمتر از ۱۰سال تهران بوده‌اند، چه کسانی که نسل اول متولد تهران هستند و چه کسانی که چند نسل در تهران زندگی کرده‌اند دوست دارند به نجوی از تازه واردها، کم اطلاعی و کم تجربگی آن‌ها سو استفاده کنند. در صدر این لیست بعضی صاحب خانه‌ها، کارفرماها و بنگاه‌های معاملات ملکی قرار دارند.»

«پرستو» دیگر شهروندی است که ۲۵سال است در تهران زندگی می‌کند. او معتقد است «تقریباً بیشتر مشکلات اجتماعی تهران را می‌توان مشکلات اجتماعی کلسی جامعه ایرانی در نظر گرفت. مثل نامناسب بودن وضعیت مسکن. اما به هر حال این مشکلات در تهران پررنگ‌تر هستند و همیشه با نام تهران گره خورده‌اند.» او درباره مشکلات تهران می‌گوید: «یک معضلی هست که در همه شهرهای بزرگ هست ولی در تهران به اوج خودش رسیده. منظوم مشکل ترافیک و آلودگی هوا است. ترافیک

عصر گاهی در ۶ماهه دوم سال در حدی است که میانگین مسییره‌ها از یک ساعت به بالا است. یک بار حساب کردم سرعت حرکتم در مسیر شرکت به خانه در طول یکی از ماه‌های زمستان به طور متوسط ۱۰ کیلومتر بر ساعت است. یعنی تنها ۴۰برابر سریع‌تر از راه رفتن معمولی انسان.»

«حسین» که ۱۵ه سال است که در تهران کار و زندگی می‌کند، این شهروند می‌گوید: «چیزی که علاوه بر هزینه‌های بالای زندگی در این شهرپنشنتر اذیت می‌کند، نوعی‌نژاد پرستی یا خود برتر بینی نسبت به تازه واردها هست. لابد خیلی زیاد راجع به جوک های ترکی و لری شنیده اید. یا اینکه واژه شهروستانی را در برابر تهرانی خیلی زیاد شنیده اید. هر چند که دیدگاه غیر تهرانی‌ها به تهرانی‌ها هم گاهی اوقات منفصلانه نیست، اما معمولاً کاربرد عبارت شهروستانی چندان دوستانه نیست. همه این رفتارها نشانه نوعی رفتار از موضوع برتر است. آن هم در حالی که تهران خودش به شدت شهری مهاجر پذیر است و ریشه تعداد زیادی از ساکنانش در شهری غیر از تهران است. آن‌ها هم که از قدیمی‌ترهای تهران حساب می‌شوند هم معمولاً نقش اساسی در تهران شدن، تهران نداشته‌اند. بلکه تهران در اثر رویدادهای معاصر در ۲۰۰سال گذشته در اثر تمرکز حکومت قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی تبدیل به تهران امروزی شده است.»

● **قطعا از تهران می‌روم**

«براهیم» ۵۰ساله، از دیگر شهروندانی است که قبیل از انقلاب با خانواده به تهران آمده. او می‌گوید«قطعا سال‌های آخر زندگی را در تهران



نخواهم بود. الان سال‌ها از شروع زندگی من در تهران می‌گذرد و خیلی از مسائل حل یا آسان‌تر شده. اوایل وضعیت اقصادی و بیکاری زندگی‌ام را فلج کرده بودم است. از سوی دیگر خیلی از نالوایی‌های تهران در البته تهران که می‌گویم، بقیه ایران هم کم و بیش همین‌طور هستند. جامعه مردم تهرانی مثل جامعه مردم دیگر شهرها مبتنی بر فامیل و فامیل بازی طراحی شده است. در تهران هم مهمانی‌ها براساس روابط فامیلی شرکت می‌گیرد. کمک‌ها و حمایت‌ها بیشتر بین فامیل‌ها رواج دارد تا غیر فامیل‌ها. کسی که علاقه زیادی به روابط فامیلی ندارد یا فامیل‌های وی در دسترس نیستند، در تهران احساس تنهایی خواهد کرد.»

● **وضعیت رفاه در تهران به حداقل رسیده**

«بینا» ۱۷سال است که به همراه خانواده به تهران مهاجرت کرده است. مینا هم در رابطه با این موضوع می‌گوید: «وضعیت رفاه ثر تهران به حداقل رسیده است. در روزهای به‌خصوصی از سال مثل روزهای سرد زمستان که آلودگی هوا هم وجود دارد کمتر مرکز تفریحی و اجتماعات سرپوشیده‌ای وجود دارد که بتوان با بچه در آن سرگرم شد. پارسال زمستان یک روز که هوا خیلی سرد و آلوده بود دنبال یک مرکز تفریحی سر پوشیده می‌گشتم که تا غروب در آن سرگرم شویم. به باغ وحش پارک ارم رفتیم که فکر می‌کنم به خاطر کمبود بازدیدکننده تعطیل بود. به یک مجتمع سینمایی جدیدلتاسیس رفتیم که یک طبقه شهربازی مخصوص کودکان هم داشت. آنجا هم تعطیل بود و دو بعد از ظهر به بعد باز می‌شد. فکر می‌کنم سورتمه تهران را در نظر گرفتیم که

برویم ولی مطمئن نبودیم که اگر تا دربند برویم موفق خواهیم شد از آن استفاده کنیم یا نه چون مراجعه قبلی هم نداشتیم نمی‌دانستیم که امکانات سرپوشیده ای هم دارد یا نه.»

● **سطح پایین بهداشت**

«علیرضا» دانشجوی دکتری مدیریت در دانشگاه تهران است و منتظر است دوران تحصیلش تمام شود به شهرش بر گردد. او در توضیح وضعیت بهداشتی پایتخت می‌گوید: «تهران سطح بهداشت خیلی پایینی دارد. دو سه سال پیش یک نفر را می‌شناختم که برای تکمیل دوره کارشناسی ارشد مدتی در یکی از پانسپون های دخترانه اطراف میدان انقلاب زندگی می‌کرد. می‌گفت که حمام نسبت به افراد ساکن پانسپون خیلی کم است. به طوری که ساکنین باید طبق برنامه قبلی نوبت بگیرند و رزرو کنند تا بتوانند از حمام استفاده کنند. گاهی اوقات هم آبگرمکن و حمام مشکل پیدا می‌کرد و همین امکانات محدود هم از دسترس خارج می‌شد.» او ادامه می‌دهد: «این‌ها را که می‌شنیدیم یاد حمام پادگان در خرم آباد می‌افتادم که وضعیت مشابهی داشت و وقتی که خراب می‌شد انتخاب سرازها محدود می‌شد به حمام صحرایی و حمام‌های عمومی سطح شهر که کثیف‌ترین و ترسناک‌ترین مکان‌هایی بودند که تا آن زمان به عمرم دیده بودم. وضعیت حمام برای خیلی از ساکنین نیمه رسمی تهران به شکل مشابهی است. از سوی دیگر خیلی از نالوایی‌های تهران در طول شب محل اقامت کارگران آن است. خیلی از رستوران‌ها و احتمالاً خیلی از مشاغل دیگر مثل کارگاه‌های تولیدی هم همین‌طور است. با این وصف خودتان حساب کنید که چند درصد افرادی که به طور روزمره در خیابان می‌بینید یا اصلاً دسترسی به حمام و امکانات بهداشتی ندارند یا اینکه دسترسی محدود و نامناسبی دارند؟ وضعیت دستشویی و توالت هم همین است. ده سال اخیر تعداد دستشویی‌های عمومی افزایش یافته ولی هنوز به حد کافی نرسیده.»

با این حال او می‌گوید: «تهران شهری بوده که تا قبل از سکونت در آن، مدت‌ها دوست داشتم در آن زندگی کنم. حداقل به خاطر اینکه تمرکز شرکت‌های IT در آن بسیار بالا است. تهران یکی از مدرن‌ترین شهرهای ایران است و مرکز تجاری و سیاسی این کشور ۸۰ میلیون است.»

با این حال د آمارهای عنوان شده از سوی مرکز آمار ایران، استان البرز بالاترین جذب مهاجر از تهران را داشته و استان‌های گیلان و مازندران به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم جذب مهاجر از استان تهران قرار دارند. اگرچه خالص مهاجرت استان تهران نشان می‌دهد طی فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، تعداد افرادی که وارد استان تهران شده‌اند بیشتر از افرادی است که از استان تهران خارج شده‌اند اما آمار می‌گوید که مهاجرت معکوس در حال رخ دادن است.

بیشخون

خطر قطع عضو در کمین سیگاری‌ها

رئیس انجمن جراحان عروق ایران، ضمن اینکه چاقی را علت اصلی گرفتگی عروق و تصلب شرایین دانست، در عین حال نسبت به خطر بروز بیماری بورگر در سیگاری‌ها و همچنین خطر قطع عضو به دنبال این بیماری هشدار داد.

حمدرضا کلانتری معتمد در گفت‌وگو با ایسنا، در توضیح عوامل خطر‌ساز بیماری‌های عروقی گفت: دیابت، چاقی و افزایش وزن و همچنین دخانیات از عوامل خطر‌ساز این بیماری هستند. برای پیشگیری از این بیماری باید وزن و قند خون کنترل و از استعمال دخانیات پرهیز شود. این فوق تخصص جراحی عروق با اشاره به انواع مختلف گرفتگی عروق افزود: مشکلاتی که در خون‌رسانی به وجود می‌آید در سه نوع رگ شریانی، وریدی و لنفاوی رخ می‌دهد که در هر کدام از این رگ‌ها باعث بروز گرفتگی و بیماری می‌شود.

وی در این باره ادامه داد: شرایین عمده، خون‌رسانی به با را انجام می‌دهند و گرفتگی عروق با بیماری شایعی است که با درد پاها همراه است. اگر به تدریج عروق تنگ شوند، فرد با درد هنگام راه رفتن مواجه می‌شود و هنگام درد گرفتن، از ادامه مسیر بازمی‌ماند و با این توقف و استراحت موقت مواد سمی شسته می‌شوند و دوباره جریان خون‌رسانی برقرار می‌شود که البته با ضعف همراه است.

داروخانه‌های زنجیره‌ای

عامل افزایش لابی در فروش دارو
عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت: تشکیل داروخانه‌های زنجیره‌ای بنا به هر دلیل تخلف بوده و در بازار دارویی کشور ایجاد می‌کند. محمد حسین قربانی درگفت و گو با خانه ملت، درخصوص برخی انتقادهای مبنی بر اینکه تاسیس داروخانه‌های زنجیره‌ای سبب افزایش لابی‌گری در بخش دارو می‌شود، گفت: دستگاه متولی در خصوص همه امورات مربوط به داروخانه‌ها اعم از صدور مجوز، نظارت، کنترل سیستم دارویی کشور و توزیع دارو در اختیار سازمان غذا و دارو بوده و قانونگذار تمام اختیارات لازم را برای مقابله با تخلفات در این حوزه به این سازمان واگذار کرده است؛ بنابراین این مسائل از سوی این سازمان قابل پذیرش نیست.

نماینده مردم آستانه اشرفیه درمجلس شورای اسلامی افزود: تشکیل داروخانه‌های زنجیره‌ای بنا به هر دلیلی تخلف بوده و در بازار دارویی کشور اختلال ایجاد می‌کند، بنابراین متولی بر خورد با تخلفات دراین حوزه سازمان‌مذ و دارو بوده و درصورت وجود ضعف قانونی مجلس آماده تصویب قوانین مورد نیاز است؛ به طوری‌حم شرایط فعلی زمان طرح شعار و حرف‌های کلیشه‌ای نیست.

وی با بیان اینکه در صورت وجود ضعف قانونی مجلس تصویب قوانین مورد نیاز را پیگیری می‌کند، تصریح کرد: اگر جریمه‌ها و مجازات‌ها متناسب با تخلفات نیست، مجلس در این بخش هم می‌تواند اقدامات مورد نیاز را همانند افزایش مجازات در بحث تبلیغ کالاهای آسیب‌رسان انجام دهد؛ همچنین می‌توان درصورت نیاز اختیارات را درحوزه سازمان غذا و دارو متمرکز کرد، بنابراین مجلس دستگاه متولی دربرخورد با متخلفان حوزه دارویی نبوده و سازمان غذا و دارو باید به وظیفه خود عمل کند.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، با اشاره به اینکه دستگاه متولی برخورد با هرگونه خلل و نقطه ضعف درسیستم دارویی کشور حتی اراه مجوز برای داروخانه‌ها سازمان غذا و دارو است، گفت: سازمان غذا و دارو باید با همکاری انجمن داروسازی کشور بخش نامه‌های مربوطه دربحث جلوگیری از تخلف را تدوین و نظارت‌ها دراین حوزه افزایش دهد، ضمن اینکه نظارت بر داروخانه‌های بخش خصوصی نیز بر عهده سازمان غذا و دارو است.

مرگ ۵۶۳ تن

در تصادفات تابستان امسال

رئیس پلیس راهور ناجا گفت: در تابستان امسال نسبت به سال گذشته ۵ درصد جانباختگان در سرحصنه تصادفات در کشور افزایش یافته است و تاکنون ۵۶۳ نفر از هموطنانمان جان خود را از دست داده‌اند.

به گزارش ایلنا، سردار تقی مهری در جلسه کمیسیون پایش تصادفات جاده‌ای و ارزیابی و عملکرد استان‌ها گفت: این ششمین جلسه کمیسیون پایش تصادفات با سطح کشور در سال جاری برای بررسی سفرهای درون شهری و برون شهری است.

وی ادامه داد: یکی از اقدامات پلیس در سال گذشته تشکیل کارگاه کاهش تصادفات در سراسر کشور بوده و جلسه کمیسیون پایش و ارزیابی استان‌ها در این راستا شکل گرفته است.مهری با اشاره به این که در تابستان امسال ۶ درصد هم سفر هموطنان افزایش یافته است در خصوص بیشترین تصادفات رخ داده افزود: استان‌های مسافرپذیر شمالی و خراسان رضوی انظر آمار بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند، لذا اجرای طرح ترافیک تابستانه تا پایان شهریور ادامه خواهدداشت.

رئیس پلیس راهور ناجا با اشاره به میزان و عوامل تصادفات صورت گرفته تصریح کرد: ۲۰ درصد جانباختگان سرحصنه تصادف به دلیل سرعت غیرمجاز ۴۰۰درصد به علت خستگی ، خواب آلودگی و بی توجهی به جلو و ۳۵ درصد از جانباختگان به دلیل سبقت و سرعت غیر مجاز گزارش شده است و حدود ۷۵درصد ازجانباختگان سال ۹۷ به دلیل این سه عامل جان خود را از دست داده‌اند.

است نباید تنها از مرکز خارج شود.

مسعودی فرید در پاسخ به میزان فرار مجدد کودکان از مراکز شبه خانواده، گفت: موضوع کودکان بی سرپرست و بد سرپرست موضوعی جهانی است و سازمان بهزیستی وضعیت این مسئله را هم در کشور خودمان و هم در سایر کشورها رصد می‌کند. برای مثال در گزارش سال ۲۰۱۵ و سال ۲۰۱۶اروپا یک میلیون کودک در موسسات نگهداری حضور دارد و یا در خود آمریکا ۲۸۰ هزار کودک در موسسات نگهداری می‌شوند. در روسیه ۳۵۰ هزار نفر در اندونزی ۴۰۰ هزار نفر در ژاپن ۷۰ هزار نفر در موسسات نگهداری هستند، با این وجود همه کشورها سیاست توسعه‌زدایی را در دستور کار دارند و تلاش می‌کنند تا بچه‌ها به داخل خانواده بروند.

● **فرایند پذیرش کودکان**

مسعودی فرید از دسته بندی این کودکان طی جلسه مشترک با دفتر کودکان و آسیب‌های اجتماعی خبر داد و گفت: برای مثال کودکانی که شاهد قتل بوده یا در پاتوق‌ها حضور داشته‌اند و فرار کرده‌اند و ... مستقیما به داخل مراکز شبه خانواده نمی‌روند چرا که در این مراکز می‌خواهیم یک شبیه سازی از خانواده انجام دهیم. کودکان ابتدا ارزیابی می‌شوندکه آیا اعتیاد یا سابقه تماس جنسی داشته‌اند؟ به آنها تعرض جنسی شده است یا نه؟ اگر این موارد وجود داشته باشد، کودکان در مراکز میان مدت نگهداری می‌شود، یعنی مکانی که کارهای حرفه‌ای‌تر درمانی روی آنها انجام شود و در غیر ایسن صورت این کودکان مستقیما به مراکز شبه خانواده می‌روند.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی با تاکید بر اینکه در صورت فرار این کودکان و بازگشت‌شان به مراکز شبه خانواده این فرآیند بار دیگر تکرار می‌شود، اظهار کرد: مگر اینکه این کودکان دچار اعتیاد شده باشند که فرایند دیگری را طی می‌کنند. در حال حاضر حدود شش مرکز اعتیاد کودکان از سال قبل راه اندازی شده است با توجه به اینکه این کودکان نیازمند فرآیندهای حرفه‌ای مددکاری اجتماعی هستند با نهادهای دیگر مثل آموزش و پرورش در طرح‌هایی مانند طرح نماد همراهی می‌کنیم، البته ایسن طرح‌ها برای کودکان بدرپرست است و در صورتی که سرپرست خوبی داشته باشند، ابتدا به درمان‌های سرپایی ارجاع داده می‌شوند که ایسن فرآیند بر عهده وزارت بهداشت خواهد بود.

● **فعالیت ۳۱ خانه سلامت و ۲۲ خانه امن در کشور**

معاون امور اجتماعی بهزیستی کشور با بیان اینکه در حال حاضر حدود ۳۱خانه سلامت و ۲۲خانه امن در استان‌ها مشغول به فعالیت هستند، اظهار کرد: زنان در معرض خشونت یا دختران فراری در همه مراکز مداخله در بحران پذیرش می‌شوند و مشکلی وجود ندارد اما این دو گروه باید در اسرع وقت در خانه سلامت یا در خانه امن ساماندهی شوند.



لحظه‌ای است که فرد فرار می‌کند. این افراد باید بدانند جایی به اسم مرکز اورژانس اجتماعی وجود دارد که می‌توانند بلافاصله بعد از فرار با آن تماس بگیرند و در آنجا همکاران سازمان بهزیستی مداخلات لازم را انجام دهند.

وی با اشاره به اینکه اغلب کودکان آسیب دیده سرپرست دارند اما سرپرست آنها «غیر مؤثر» هستند، افزود: برای مثال ممکن است سرپرست این کودکان به دلیل بیماری صعب‌العلاج، اختلالات روانی، فقر یا مصرف مخدر یا الکل نتواند از کودک نگهداری کند و کودک آزاری انجام دهد. نزدیک به ۸۵ درصد از کودکانی که در موسسات نگهداری می‌شوند بچه‌هایی هستند که سرپرست غیرموثر دارند و دستکم یکی از سرپرستان آنها شناسایی شده است.

● **مراکز شبه خانواده زندان نیست**

وی با اشاره به فرآیند آماده سازی کودکان آسیب دیده برای حضور در مراکز شبه خانواده توضیح داد: برای مثال اگر کودکی افسردگی، اختلال روانی دوقطبی دارد و یا تحت خشونت قرار گرفته است را بلافاصله به مراکز شبه خانواده نمی‌بریم. به همین دلیل مسئله فرار کودکان و نوجوانان از مراکز شبه خانواده بسیار نادر است. به همه استان‌ها نیز اعلام شده است در صورت وجود چنین اتفاقاتی سریعاً به ما اطلاع داده شود. حتی در عرض چند ساعت و به صورت تلفنی هم که شده است با ما تماس بگیرند. مراکز شبه خانواده مراکزی نیستند که شبیه زندان باشند. به هر حال این کودکان به مدرسه می‌روند و در این مسیر تنها هستند، البته گاهی هم مربی با آنها همراه می‌شود اما اینطور نیست که هر جایی که می‌خواهند بروند مربی حضور داشته باشد. با این حال مربیان باید به شکل حرفه‌ای کار کنند و برای مثال اگر کودکی در فاز افسردگی

گزارش

معاون سازمان بهزیستی کشور تشریح کرد:

میزان «فرار» از مراکز شبه خانواده بهزیستی

مراکز «شبه خانواده» تلاش بهزیستی برای نگهداری از کودکان آسیب دیده بی‌سرپرست و بدسرپرست است تا آنها نیز در فضایی شبیه خانواده رشد کنند، این درحالیست که گاهی برخی مددکاران فعال در این مراکز از فرار کودکان به ویژه دختران از این مراکز صحبت می‌کنند.

به گزارش ایسنا، اگرچه آمارها نشان می‌دهد میزان فرار مجدد دختران منتقل شده به مراکز شبه خانواده ناچیز است اما در مورد مهم‌ترین علل فرار دختران، فرایند پذیرش آنها در مراکز شبه خانواده و شیوه دسته بندی کودکان آسیب دیده در سازمان بهزیستی با معاون امور اجتماعی این سازمان گفت‌وگو کردیم.

● **گول خوردن؛ علت ۱۰ درصد فرار فرزندان از منزل**

حبیب الله مسعودی فرید، مهم‌ترین علت فرار دختران و اساسا فرزندان از خانه را فرار از مشکلات داخل خانواده دانست گفت: ۹۰ درصد کودکان و نوجواناتی که فرار می‌کنند به خاطر مسائلی که داخل خانواده وجود دارد، از خشونت خانگی تا نبود محبت و مودت و نبود نظارت خانواده روی بچه‌ها، اعتیاد در خانواده، اختلالات روانشناختی شدید و ... به این کار اقدام می‌کنند. گاهی مسائل تهدید کننده بیرونی نیز وجود دارد، مواردی به ما گزارش شده است که این نوجوانان گول خورده‌اند. این موارد ۱۰ درصد از کودکان را شامل می‌شود. این مسئله اگرچه در مورد پسران هم وجود دارد اما دختران بیشتر در معرض آسیب قرار دارند

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با تاکید بر اینکه دختران فراری باید بتوانند هر چه سریعتر به سیستم‌های حمایتی بهزیستی دسترسی پیدا کنند، اظهار کرد: یعنی آنها بدانند که سیستمی به نام اورژانس اجتماعی با شماره تلفن ۱۲۳ وجود دارد که آنها می‌توانند به آن مراجعه کنند و یا تماس بگیرند. بسیاری از این کودکان آسیب دیده نیستند اما مراکز بازپروری مراکزی هستند که برای مثال زنان آسیب دیده آنجا نگهداری می‌شوند. به همین دلیل بسیاری از این کودکان که بر اساس شناسایی‌ها آسیبی ندیده‌اند ممکن است مستقیم به مراکز شبه خانواده بهزیستی انتقال پیدا کنند اما عده‌ای ممکن است بر اساس ارزیابی‌های اولیه آسیب دیده باشند که ابتدا به خانه سلامت و سپس به شبه خانواده‌ها فرستاده می‌شوند.

● **توصیه‌ای برای پیشگیری از آسیب‌دیدگی پس از فرار از منزل**

مسعودی فرید در مورد مدت زمان طلایی که می‌توان دختران و زنان را پس از فرار از خیابان نجات داد تا در معرض آسیب قرار نگیرند، نیز گفت: این زمان در گذشته تا ۶ ساعت اعلام می‌شد اما مطالعه خاصی در این زمینه وجود ندارد چرا که نمی‌توان از این زنان پرسید چه مدت بین زمان آسیب و فرار آنها فاصله وجود داشته است؟ دلیل مطرح شدن این آمار این است که اهمیت موضوع را نشان دهیم. این موضوعات آنقدر مهم هستند که باید بلافاصله و بدون هیچگونه فوت وقت رسیدگی شوند. به نظر می‌رسد مدت زمان طلایی همان